

تحوالات فرهنگی

فصل دوم



▲ نخستین گاراژهای مسافری ایرانی



▲ اعزاز اولین محصلان ایرانی به فرنگ

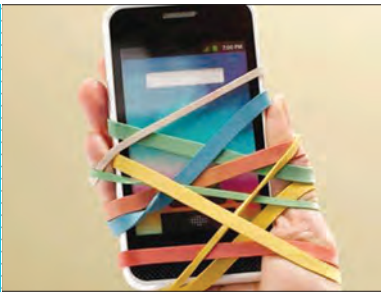


اهداف فصل دوم

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- ۱- علل و چرایی دگرگونی‌های فرهنگی را درک کند.
- ۲- با تجزیه و تحلیل تغییر نمادها و الگوها، به ریشه‌های تحولات فرهنگی پی برده و آنها را تبیین نماید.
- ۳- توانایی شناخت «تأخر فرهنگی» جامعه را کسب نماید.
- ۴- توانایی ارتباط فعال و آگاهانه با سایر فرهنگ‌ها را به دست آورد.
- ۵- با امپریالیسم فرهنگی آشنا شده و نقش رسانه‌ها در گسترش سلطه فرهنگی را درک کند.
- ۶- توانایی تشخیص و رویارویی فعال و هوشمندانه با تغییرات و تحولات فرهنگی را کسب نماید.





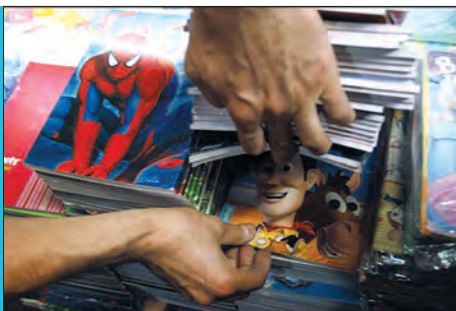
◆ فرهنگ، ثابت است یا متغیر؟

تغییر در فرهنگ چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا همه مؤلفه‌های فرهنگ تغییر می‌کنند؟

نیازهای انسان، به دو گروه به شرح زیر قابل تقسیم است:

الف) نیازهای ثابت: این نیازها به ذات انسان، فارغ از زمان، مکان و جنسیت او باز می‌گردد و بین همه انسان‌ها مشترک است و ریشه در فطرت انسانی دارد؛ مانند: عدالت‌خواهی، پرسشگری، تعالی‌جویی، علم‌گرایی و زیبایی‌دوستی. انسان‌ها در طول تاریخ و در هر منطقه جغرافیایی و با هر جنسیت و نژاد، این ویژگی‌های مشترک را دارا بوده‌اند و هویت انسانی به این ویژگی‌ها وابسته است.

ب) نیازهای متغیر: این نیازها در انسان‌های مختلف، متناسب با جنسیت، قومیت، شرایط سنی، زمان و مکان، متفاوت است؛ هرچند نیازهای متغیر هم از اصول ثابت، تبعیت می‌کنند، لیکن متناسب با شرایط، و در هر فرد یا گروه، تجلی خاص خود را دارد؛ مانند مدل لباس و پوشش، نوع غذا و ابزارهای غذا خوردن و روش ساخت و ساز منزل مسکونی.



▲ رودکی

همچنان که نیازهای انسان، ثابت و متغیرند و عناصر ثابت و متغیر دارند، هویت فرهنگی فرد و جامعه نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. این امر، از جمله پیچیدگی‌های فرهنگ است که دو صفت یا دو ویژگی به ظاهر متناقض («ثبات» و «تغییر») را در خود جای داده است.

از یک سو، فرهنگ، «ثابت» به نظر می‌رسد، زیرا از میراث فرهنگی در یک دوره طولانی و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و فرهنگ «گذشته» در زمان «حال» برای نسل «آینده» تداوم می‌یابد و اگر تغییری هم در آن صورت پذیرد، آرام و کند است و به سادگی قابل مشاهده و درک نیست. باورها و ارزش‌های اجتماعی در این گروه قرار دارند.

در فرهنگ ما ایرانیان، زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال تداوم یافته و فقط با تغییرات جزئی مواجه بوده است.

اما از سوی دیگر، فرهنگ، «متغیر» است و در پاسخ به نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و متناسب با دگرگونی شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی به وجود می‌آید؛ مثلاً نحوه طراحی و دوخت لباس و سبک معماری در دوره قاجار، با دوره صفویه و با زمان حاضر، غالباً با هم متفاوت‌اند. این نوع تغییرات در لایه‌های بیرونی و سطحی فرهنگ اتفاق افتاده و برای همگان، قابل مشاهده است.

هر جهان فرهنگی نیز، متناسب با اوضاع اقلیمی و اجتماعی خود، در برابر تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و در چارچوب مبانی و ارزش‌های خویش، به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بقا و ادامه حیات هویت فرهنگی خود را فراهم سازد.

موضوع زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

آیا از «روش زندگی» گذشتگان و یا نیاکان خود اطلاعی دارید؟ پدربزرگها و مادر بزرگهای شما چگونه زندگی می کردند؟ مراسم ازدواج و عزاداری آنها چگونه برگزار می شد؟ آیا این مراسم، امروز هم، همان گونه برگزار می شود؟ چه عناصر فرهنگی در آنها، «ثابت» مانده است و کدام یک «تغییر» کرده است؟

◆ چیستی دگرگونی های فرهنگی

«چه غذایی را بیشتر دوست دارید؟»

هر یک از شما دانش آموزان، این سؤال را، از سه گروه سنی زیر بپرسید و پاسخها را یادداشت کنید:

الف) پدربزرگها و مادر بزرگها؛
ب) پدر و مادر خودتان؛
پ) برادران و خواهران کوچکتر، یا کودکان ۷-۶ ساله.

آیا پاسخها یکسان است؟ آیا هر سه گروه، که نماینده سه نسل هستند، یک نوع غذا را دوست دارند؟



همان طور که می دانید و پاسخها نشان می دهد، تا حدودی «ذائقه غذایی» این سه نسل تغییر کرده و با هم متفاوت است. پدربزرگها و مادر بزرگها، بیشتر غذاهای سنتی را دوست دارند و از خوردن آنها لذت می برند، در حالی که برخی از فرزندان کوچک خانواده، به غذاهای آماده و فست فود، علاقه بیشتری نشان می دهند. علت چیست؟ چرا این تغییر «ذائقه غذایی» به وجود آمده است؟

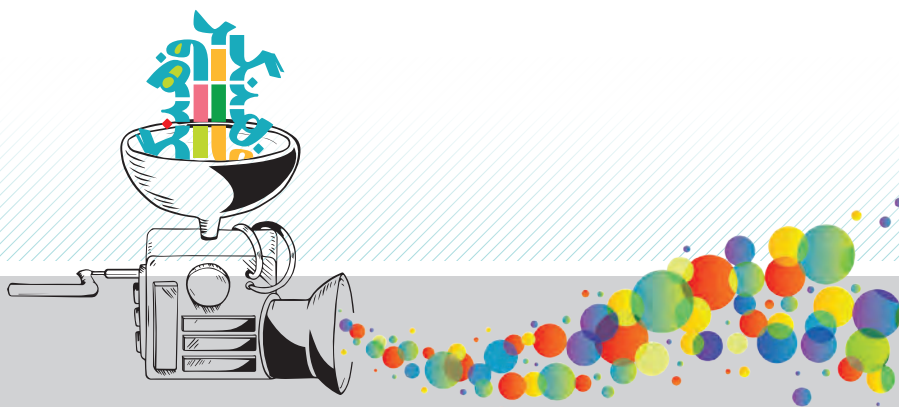


آیا با تغییر نسل ها، «ذائقه فرهنگی» جامعه هم تغییر می کند؟ آیا «علاقه مندی ها و دوست داشتنی های مردم» در طول زمان دگرگون می شود؟ بایدها و نبایدهای زندگی آنها چگونه؟

ما در عصر تحولات گسترده و شگرف زندگی می کنیم. این تغییرات، تمام تاروپود جهان مادی ما را در بر گرفته است. نمود تغییرات و تحولات، در ساخته های بشری و

فناوری ها به خوبی مشهود است و با سرعت و گستردگی فراوان در حال انجام است. هر روز شاهد تغییر و تحول در مدل رایانه ها، تلفن های همراه، ماشین های سواری، نحوه ساخت و ساز و معماری خانه ها و شهرها، روش درمان بیماری ها و... هستیم. ما این تغییرات محسوس و مشهود را به خوبی درک می کنیم و همپای این تغییرات، دگرگونی هایی را در زندگی فردی و جمعی خویش ایجاد می کنیم.

جهان های اجتماعی و جهان های فرهنگی نیز از قاعده «تغییر و تحول» پیروی می کنند و در عین وفاداری به ارزش های بنیادی و جنبه های ثابت خود، در حال حرکت و دگرگونی اند. تمام جوامع، چه به صورت آرام و نامحسوس و چه به صورت ناگهانی و محسوس، تغییرات را تجربه می کنند. در واقع، حیات فردی و اجتماعی آدمی، دستخوش مجموعه ای از دگرگونی هاست که پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به همراه دارد. این دگرگونی های فرهنگی، اجتناب ناپذیرند و به ویژه در عصر حاضر به صورت گسترده و با سرعت زیاد، جریان دارند. درک تغییرات و تحولات فرهنگی و تشخیص دگرگونی های مثبت و مفید، از تحولات منفی و آسیب زا، نیازمند تیزبینی و دقت نظر فراوان است و با تأمل در پدیده های فرهنگی حاصل می شود. انسان هایی که توانایی درک به موقع و زود هنگام تحولات را دارند، می توانند آنها را مدیریت کنند و برای تحقق اهداف خویش از آنها بهره بگیرند. در مقابل، افرادی که توانایی دیدن و همپایی هوشمندانه و به موقع این تغییرات را ندارند، معمولاً در زندگی روزمره با مشکل روبه رو شده و دچار «تحجر» و «عقب ماندگی» می شوند.



تفاوت «تغییر فرهنگی» با «تحول فرهنگی» چیست؟

قبلاً آموختید که جهان فرهنگی را می‌توان به فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس و ناملموس تقسیم کرد. همچنین آموختید که عناصر و لایه‌های فرهنگ، به چهار سطح: عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و نمادها تقسیم می‌شوند. دو سطح عقاید و ارزش‌ها، لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ را شکل می‌دهند و هنجارها و نمادها، لایه‌های سطحی و بالای فرهنگ‌اند. دگرگونی در لایه‌های سطحی با عنوان «تغییر فرهنگی» و دگرگونی در لایه‌های بنیادین با عنوان «تحول فرهنگی» نامیده می‌شود.



«تغییرات فرهنگی» شامل پدیده‌های مادی و ملموس و عناصر فرعی فرهنگ است که در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و هر فرد می‌تواند شاهد آنها باشد.

«تحولات فرهنگی»، دگرگونی در ریشه‌ها و ارزش‌های بنیادی است که در یک دوره زمانی طولانی، و شاید در فاصله چند نسل، در یک جامعه اتفاق می‌افتد، و آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار برجای می‌گذارد. با نگاه نظام‌مند، تغییر هر جزء از فرهنگ، در کوتاه‌مدت یا درازمدت، می‌تواند تمام عناصر سیستم را تغییر دهد. «تحولات فرهنگی»، علاوه بر دگرگونی در باورهای اساسی، نمادها و هنجارها را نیز تغییر داده، و می‌تواند هویت جهان اجتماعی و جهان فرهنگی را دگرگون سازد. ممکن است هر «تغییر فرهنگی»، باورها و ریشه‌های هویتی جامعه را تغییر ندهد، اما هر «تحول فرهنگی»، الگوها، هنجارها و نمادها را دگرگون می‌کند.



«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل

کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

ورود «تلفن همراه» به زندگی، کدام بخش از زندگی ما را تغییر داده است؟ آیا در سطح فرهنگ محسوس و ملموس تأثیر گذاشته است یا فرهنگ غیر محسوس و ناملموس را هم متأثر کرده است؟ آیا زمینه‌ساز

«تغییر فرهنگی» است یا باعث «تحول فرهنگی» هم می‌شود؟

چگونگی دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن

فرهنگ‌ها چگونه تغییر می‌کنند؟ عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی کدام‌اند؟



▲ اولین اتوبوس با لاستیک توپر در خطوط بین شهری ایران



چگونگی دگرگونی و عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:



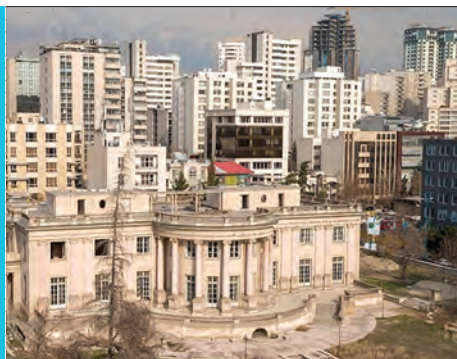
۱- نوجویی و نوآوری: یکی از ویژگی‌های خدادادی انسان، حس کنجکاوی و تعالی جویی است. این ویژگی، موجبات نوجویی، ابداع و نوآوری را در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد و عرصه‌های فرهنگی و جهان فرهنگی نیز براساس این ویژگی، دگرگون می‌شوند. این عامل،

زمانی موضوع مطالعه فرهنگی قرار می‌گیرد که عمومیت یابد و تقریباً همه افراد جامعه از این نوآوری متأثر شوند؛ مانند ورود تلفن همراه به زندگی فردی و اجتماعی ما و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه.

۲- پذیرش اجتماعی و فرهنگی: آن‌گاه که عنصر فرهنگی جدید، به واسطه نوجویی یا در اثر مبادلات فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها، وارد فرهنگ می‌شود و مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد، زمینه دگرگونی فرهنگی را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال: استفاده از روش برگزاری انتخابات برای جابه‌جایی قدرت در کشورها. اما اگر نوآوری که به وسیله یک فرد و یا گروهی از افراد جامعه عرضه می‌شود، مورد توجه و تبعیت همگان قرار نگیرد، و به دست فراموشی سپرده شود، این نوآوری، باعث تحول فرهنگی نمی‌شود.

۳- **طرد اجتماعی و فرهنگی:** با ورود عنصر فرهنگی جدید، برخی از عناصر ناکارآمد فرهنگ موجود، به ویژه در دو لایه نمادها و هنجارها، یا تغییر کرده و یا طرد شده و کنار گذاشته می‌شوند. هر یک از تغییرات مذکور، می‌توانند در کوتاه‌مدت یا درازمدت، زمینه دگرگونی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را فراهم آورند. همچنین اگر عنصری از فرهنگ با ارزش‌ها و نیازهای جدید سازگار نبوده و پاسخگوی آنها نباشند، طرد می‌شوند.

۴- **تلفیق و انطباق:** عنصر فرهنگی تازه وارد برای پذیرفته شدن در یک جامعه، مرحله‌ای را می‌گذراند و برحسب نقش و اهمیتی که دارد، تأثیرات و تغییراتی را در عناصر هم‌جوار ایجاد می‌کند. ممکن است مدت‌زمانی طولانی (مثلاً یک نسل یا بیشتر) لازم باشد تا بین عنصر تازه‌وارد و عناصر قدیم، سازگاری و انطباق مطلوب ایجاد شود.



▲ سبک معماری ساختمان‌های قدیم و جدید در تهران



▲ ورود اتومبیل به ایران در دوره قاجار

مثال: اگر ورود اتومبیل به ایران را به عنوان محصول صنعتی تازه در نظر بگیریم که شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص خود را می‌طلبیده است، این نوآوری پس از مخالفت‌ها و طرفداری‌های چندین ساله، به تدریج وسایل نقلیه‌ای چون اسب، قاطر، درشکه، دلیجان و مشاغلی مانند درشکه‌چی، نعلبند، علاف و... را از صحنه نیازمندی‌های عمومی خارج کرد و به جای آن تأسیساتی

چون گاراژ، پمپ بنزین، تعمیرگاه، اداره راهنمایی و رانندگی و مشاغلی مانند مکانیکی، پنچرگیری، صاف‌کاری و رانندگی را به وجود آورد. همچنین کلمات و اصطلاحاتی مانند ترافیک، ترمز، شوفر، راننده و... را رایج ساخت.

گفتگو کنید

چه نمادها و هنجارهایی را در زندگی ما ایرانیان می‌شناسید که در چند دهه گذشته از جامعه طرد شده و کنار گذاشته شده است؟ و چه نمادها و هنجارهایی را می‌شناسید که مجدداً از گذشته‌های دور، به زندگی امروز ما راه پیدا کرده‌اند؟





همان گونه که می‌دانید پیامبران الهی برای تغییر «فرهنگ غیرالهی» و شرک آلود مبعوث شده‌اند تا آن را به «فرهنگ توحیدی» و خدامحور تبدیل کنند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز این رسالت را به عهده داشت تا «فرهنگ جاهلیت» را به «فرهنگ توحیدی» تغییر دهد. به نظر شما «فرهنگ جاهلیت» قبل از بعثت پیامبر عزیز اسلام چه ویژگی‌هایی داشت؟ و کدام یک از این ویژگی‌ها با وجود تلاش پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا پس از رحلت ایشان ادامه یافت؟ چرا؟

♦ تأخر فرهنگی چیست؟

تأخر فرهنگی^۱ به صورت‌های مختلف مانند عقب ماندگی فرهنگی و واپس ماندگی فرهنگی نیز معنا شده است. تأخر فرهنگی نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می‌آید و به معنای فاصله عناصر و اجزای یک فرهنگ با یکدیگر، از نظر آهنگ حرکت آنهاست، بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر فنون و ابزارهای

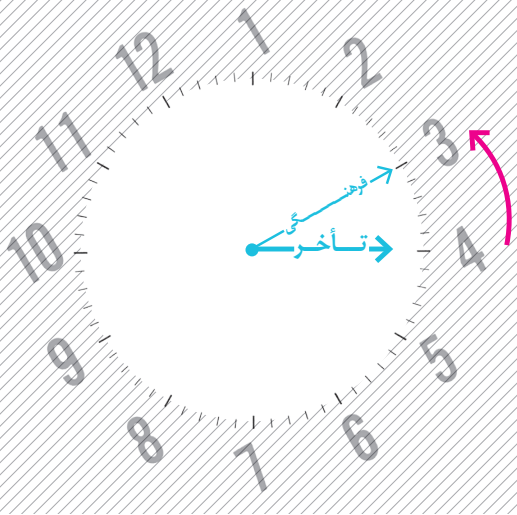


مادی، زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمان‌های اجتماعی پذیرفته می‌شوند. به این ترتیب، در درون یک فرهنگ، اجزا از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند. در اثر این تغییر، نابسامانی و ناهماهنگی در مجموعه ترکیب و نظم فرهنگی به وجود می‌آید. عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی راه، تأخر یا پس افتادگی فرهنگی می‌گویند.

چنان که قبلاً آموختید فرهنگ غیر محسوس، ریشه‌دارتر و عمیق‌تر است و نمی‌تواند با سرعت فرهنگ محسوس، تغییر کند. ما می‌توانیم لباس و پوشاک، خودرو، لوازم خانگی، محل سکونت و... خود را به سرعت عوض کنیم و آخرین تکنولوژی را از کشورهای دیگر وارد کنیم، اما هرگز نمی‌توانیم با این سرعت، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی (فرهنگ غیر محسوس) خود را تغییر دهیم؛ زیرا این تحولات، سال‌ها طول می‌کشد و بسیار کند است؛ و براساس اصل «مقاومت فرهنگی»، پذیرفتن تغییر یا مقاومت در برابر آن، در تمام اجزا و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست. در نتیجه، در همه جوامع، نوعی ناهماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده فرهنگ وجود دارد و بین این دو بخش، فاصله‌ای وجود دارد که اصطلاحاً به آن «تأخر فرهنگی» می‌گویند.

^۱ Cultural Lag

تأخر فرهنگی را برای اولین بار، دانشمندی به نام «ویلیام آگبرن» مطرح کرد و آن را نوعی از پس افتادگی یا عقب ماندگی اجزا و عناصر فرهنگ غیر محسوس از فرهنگ محسوس دانست که در همه جوامع وجود دارد. سازش و تطابق اجتماعی و فرهنگی به دو شکل قابل تصور است: یکی سازش و تطابق انسان با فرهنگ، و



دیگری هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ.

تأخر فرهنگی در کشورهای کمتر پیشرفته، بیشتر و در کشورهای پیشرفته و صنعتی، کمتر است. یکی از دلایل بروز این وضعیت، به سرعت و تقدم و تأخر زمانی صنعتی شدن کشورها باز می‌گردد، یعنی چون کشورهای پیشرفته، سال‌هاست صنعتی شده‌اند (انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در اروپای غربی صورت گرفته است) و مردم از ابتدا و گام به گام، با انواع ابداعات و اختراعات و فناوری آشنا شده و با آنها رشد کرده‌اند، در نتیجه فرصت بیشتری یافته‌اند تا افکار، شیوه زندگی و الگوهای رفتاری خود را متناسب با تغییرات تکنولوژیکی همراه کنند. در حالی که در کشورهای دیگر، وضعیت بدین گونه نبوده و هر محصول یا کالایی، پس از آنکه تقریباً تکمیل شده، به یکباره وارد کشور شده و در اختیار مردم قرار گرفته است، بدون اینکه مردم با روند تکاملی آنها رشد کرده باشند؛ از دو چرخه تا چرخ خیاطی، از ماشین سواری تا ماشین لباسشویی و ظرفشویی و... به عبارتی هنوز با وسیله‌ای درست آشنا نشده‌اند که وسیله جدیدتری به بازار آمده است؛ در نتیجه، فرصت نداشته‌اند که افکار و الگوهای رفتاری خود را با این تغییرات هماهنگ کنند؛ مثلاً ممکن است فردی با آنکه دارای آخرین مدل ماشین است، روی خط عابر پیاده بایستد، به علائم راهنمایی توجه نکند و به حقوق دیگران اهمیت ندهد، یعنی کالای جدید را به دست آورده اما فرهنگ راهنمایی و رانندگی را کسب نکرده است.

این پدیده در مورد رفتار مردم در درون یک کشور و در شهرهای مختلف وجود دارد؛ بدین معنی که مردم یک شهر چون زودتر با فناوری وارداتی آشنا شده‌اند، «تأخر فرهنگی» شان، در مقایسه با سایر شهرها کمتر است. «تأخر فرهنگی» در همه کشورهای جهان وجود دارد و منحصر به فرهنگ و جامعه‌ای خاص نیست و فقط میزان و نسبت میان آنها متفاوت است.

با گسترش ساخت آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، مناسبات انسانی در این مجموعه‌ها، تغییر کرده است. از منظر تأخر فرهنگی، پدیده آپارتمان‌نشینی و فرهنگ آن را، تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.



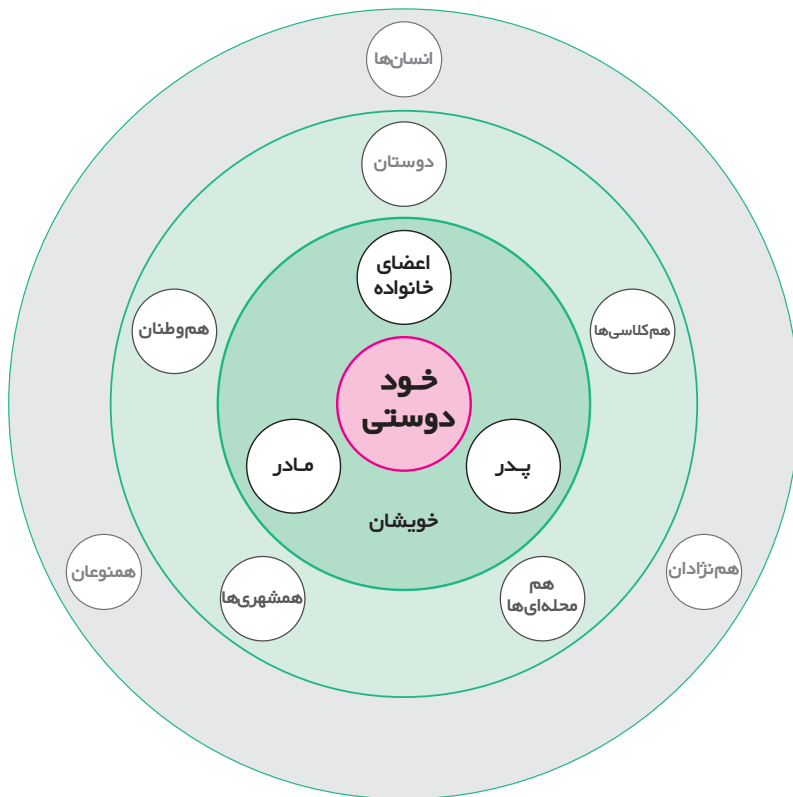


چرا ارتباطات فرهنگی میان جوامع مهم است؟

تعدادی از دوستانتان را در نظر بگیرید؛ این افراد از چه گروه‌های سنی هستند و چه ویژگی‌های فرهنگی دارند؟
باورها، اخلاق و رفتار دوستانه هریک از شما، چه تأثیر فرهنگی بر دیگران می‌گذارد؟
اگر روزی، به هر دلیل، با دوستان صمیمی و اقوام نزدیک خود، قطع رابطه کنید، چه تأثیرات فرهنگی خواهد داشت؟

ارتباط، یک کنش اجتماعی است که ما را به گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. ارتباطات از خانواده آغاز می‌شود و به گروه دوستان می‌رسد و روز به روز گسترش می‌یابد و امروزه با استفاده از رسانه‌های جمعی، به کل جامعه و سراسر جهان تسری می‌یابد. نحوه تکوین هویت ما، به میزان و چگونگی برقراری ارتباطات ما و ساختن شبکه‌های ارتباطی وابسته است. هر چه ارتباط ما با دیگران، آگاهانه‌تر، دقیق‌تر، صمیمی‌تر و صادقانه‌تر باشد، موفقیت ما فزون‌تر و پایدارتر خواهد بود.

یادگیری و شکل‌گیری آگاهی و شخصیت انسان، در اجتماع و از طریق ارتباط با «دیگران» انجام می‌شود. «دیگران»، شامل پدر و مادر، اعضای خانواده، دوستان، اهالی محله و سایر جوامع است. هر چه دامنه «دیگران» گسترده‌تر و متنوع‌تر و در چارچوب مبانی و اصول باشد، رشد شخصیت و تعالی فرهنگ، فزون‌تر خواهد بود. انسان سالم، انسانی است که توانایی برقراری ارتباط سالم با «دیگران» را دارد. انسان‌های منزوی و فاقد روابط اجتماعی، از آرامش و آسایش لازم در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار نیستند و در معرض انواع بیماری‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند.



▲ مراتب نوع دوستی و ارتباطات انسانی در بستر فرهنگ جامعه

جهان‌های اجتماعی و پیشرفت جوامع هم از این قاعده تبعیت می‌کنند. جوامع موفق، جوامعی هستند که با رعایت مبانی و اصول فرهنگی خویش، توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را دارند. ارتباط اجتماعی، عامل و زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ است. تعالی و تکامل فرهنگ، به ارتباطات اجتماعی و فرهنگی وابسته است.

مهارت‌های ارتباطی کدام‌اند؟ برای برقراری یک ارتباط مؤثر و موفق، چه مهارتی را باید کسب کرد؟ و چه اصول و ضوابطی را باید رعایت کرد؟ آسیب‌های ارتباطات بی‌قید و شرط کدام‌اند؟



ارتباطات فرهنگی چگونه انجام می‌شود؟

ارتباطات فرهنگی بین افراد و جهان‌های فرهنگی از دیرباز به صورت‌ها و روش‌های مختلف انجام می‌شده است. در گذشته، چادرنشینان کوچ‌رو، فروشندگان دوره‌گرد، مبلغان مذهبی، جنگجویان فاتح، بازرگانان و تاجران، گردشگران و... همه و همه، فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به «دیگران» عرضه می‌کردند و متقابلاً فرهنگ «دیگران» را به جامعه خویش انتقال می‌دادند. اما امروزه، با پیشرفت و گسترش رسانه‌ها و فناوری‌ها و سهولت ارتباطات و انتقال پیام، و نیز آسان شدن رفت و آمدها بین افراد و ملت‌ها، فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر نزدیک‌تر شده و داد و ستدها و «روابط فرهنگی»، گسترش و عمق بیشتری پیدا کرده است.



همیاری زنان همسایه برای پختن آش نذری



در سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات (اعم از مؤسسات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و...) افراد با فرهنگ‌های مختلف در کنار هم کار و زندگی می‌کنند و به مبادله فرهنگ می‌پردازند. برخلاف گذشته، انسان‌های امروزی، کمتر به زمین و محل سکونت خود وابسته‌اند و به راحتی تغییر مکان می‌دهند. جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت در سطوح مختلف، زمینه‌ساز انتقال فرهنگ و مبادلات فرهنگی است. مهاجرت از روستا به شهرها، از شهرهای کوچک به کلان‌شهرها، از یک کشور به سایر کشورها و گسترش گردشگری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است که در عصر جدید و زندگی مدرن، افزایش یافته است و پیامدهای فرهنگی خاص خود را به همراه آورده است.

پدیده «کار فصلی» و مهاجرت از روستا به شهر را از منظر فرهنگی بررسی کرده و آثار مثبت و منفی آن را تجزیه و تحلیل کنید.



▲ نامه زیگموند سوم شاه لهستان به شاه عباس اول



▲ نصب چهار طاقی از تندیس چهار دانشمند ایرانی در مقر سازمان ملل

◆ انواع ارتباطات فرهنگی

در دنیای امروز شکل ارتباطات فرهنگی میان جوامع چگونه است؟ آیا تمام روابط به صورت برابر و آزادانه برقرار می‌شود و یا در برخی موارد، به شکلی نابرابر و با هدف سلطه‌گری و حذف فرهنگ‌های بومی و ملی کشورها انجام می‌شود؟

از دیرزمان، اقوام و ملت‌ها به روش‌های گوناگون، گاه مثبت و سازنده و گاه منفی و مخرب، باهم داد و ستد داشته‌اند. انواع تعاملات و ارتباطات فرهنگی را می‌توان در سه گروه به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

◆ الف) اشاعه فرهنگی

اشاعه فرهنگی به معنای سرایت عناصر فرهنگ یک جامعه به جامعه دیگر به صورت طبیعی و در گذر زمان است. فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، قابلیت انتخاب و الگوپذیری دارند. آداب و رسوم، سنت‌ها، روش‌ها، قصه‌های عامیانه، ابزار، محصولات و کالاها ممکن است توسط افراد یک جامعه، به صورت طبیعی به سایر جوامع سرایت کرده و در آن شیوع پیدا کند.

اشاعه فرهنگی، همواره تحت تأثیر دو عامل «تمایل» و «ارتباط» بوده است: برقراری ارتباط با «دیگران» و علاقه به پذیرش عناصر فرهنگی آنان باعث اشاعه فرهنگی و «وام گرفتن» عناصر فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها می‌شود. زمانی که دو خرده فرهنگ، و یا دو قوم و یا دو گروه با باورها و اعتقادات مختلف، در کنار هم زیست می‌کنند، عناصری از فرهنگ «دیگری» را، که با بنیان‌های فرهنگی و علائق خود سازگار

می‌بینند، به صورت طبیعی، در فرهنگ «خودی» پذیرفته و اشاعه می‌دهند؛ برای مثال: وجود واژگانی چون شیمی، الکل، جبر و الگوریتم (که اشکال فرنگی شده اصطلاحات سیمیا، الکحول، الجبرا و الخوریزم یا الگوریتم هستند) در مجموعه اصطلاحات علوم طبیعی، از نشانه‌های اشاعه فرهنگ مسلمانان در اروپاست که به صورت طبیعی به آنجا منتقل شده است.

در اشاعه، قوت و جذابیت یک فرهنگ یا مؤلفه فرهنگی، سبب می‌شود که دیگران با آزادی و انتخاب خود، به سوی آن فرهنگ یا مؤلفه برتر گرایش پیدا کنند و آن را بپذیرند. در نتیجه در اشاعه فرهنگی، پذیرش، یک سویه بوده و به صورت آزادانه اتفاق می‌افتد.

بررسی و گفتگو کنید



▲ شهردار محبیه در اروپا

گسترش «حجاب و پوشش اسلامی» در کشورهای اروپایی چرا اتفاق می‌افتد؟ علت استقبال زنان و دانشجویان غربی از این نوع پوشش چیست؟ چرا برخی از حکومت‌ها و دولت‌های اروپایی از ورود دانشجویان محبیه به دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کنند؟

♦ (ب) تبادل فرهنگی

زمانی که دو گروه یا دو قوم باهم ارتباط برقرار می‌کنند، به صورت آزادانه و در یک فرایند عادی، از اندیشه، فکر و رفتار یکدیگر اثر می‌پذیرند و جهان فرهنگی آنها نیز بر یکدیگر اثر می‌گذارد. بدین ترتیب در این ارتباط آزاد و دوسویه، عناصری از یک فرهنگ، بدون هیچ اجبار و الزامی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شود. اگر این تأثیرات در یک فرایند دوسویه انجام

شود و فرهنگ‌ها، با شناسایی عناصر مثبت و منفی فرهنگ مقابل، عناصر مطلوب خود را اخذ و وارد فرهنگ خویش کنند، تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد. در تبادل فرهنگی، نابرابری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین دو گروه و بین دو فرهنگ تأثیری در پذیرش ندارد و معمولاً باورهای اساسی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی حفظ می‌شوند و فرهنگ محسوس و نمادها و هنجارها، در چارچوب همین عقاید و باورها، مبادله شده و باعث رشد فرهنگی می‌شوند.

تبادل فرهنگی، امری مثبت است و باعث پالایش و زایش فرهنگی و ادامه حیات فرهنگ می‌شود و از رکود و واپس ماندگی فرهنگی جلوگیری می‌کند. جهان‌های فرهنگی که توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را ندارند، رویش فرهنگی نخواهند داشت و زوال و نابودی فرهنگی، آنان را تهدید خواهد کرد. به ویژه در عصر حاضر که «عصر ارتباطات و اطلاعات» است، تعاملات و تبدلات فرهنگی، بیش از پیش، ضروری است و تمام جوامع باید بتوانند از یافته‌های بشری که متعلق به «همگان» است، بهره‌مند شوند.

بررسی و گفتگو کنید

محل زندگی شما، مهاجرپذیر است یا مهاجرفرست؟ در محل سکونت شما چه اقوامی زندگی می‌کنند و چه خرده فرهنگ‌هایی دارند؟ مهاجران و اقوام مختلف چه عناصری را اشاعه می‌دهند؟ تبادل فرهنگی بین آنها چگونه اتفاق می‌افتد؟

اسلام، شرح صدر و ظرفیت وسیعی برای قبول و اقتباس فرهنگ‌های بشری و هضم آنها در خود دارد و کوشش‌های فرهنگی را رسالتی انسانی و یکی از واجبات زندگی شناخته است. در دوره تمدن اسلامی، که علم و دانش و فرهنگ در کشورهای اسلامی در اوج شکوفایی خود بود، دانشجویان اروپایی به این کشورها سفر می‌کردند تا از حکمت، فلسفه و دانش کشورهای مسلمان بهره ببرند. بدین ترتیب، علوم طبیعی و اجتماعی از جهان اسلام به اروپا انتقال یافت. بعد از شکل‌گیری دوره جدید در غرب و قدرت یافتن فرهنگ اروپایی، جریان مبادله فرهنگی برعکس شد و این بار دانشجویان کشورهای اسلامی، برای فراگیری علوم، توسط دولت‌های کشورهای اسلامی به اروپا اعزام شدند تا از یافته‌های علمی و فرهنگی اروپاییان بهره بگیرند.

تجزیه و تحلیل کنید

حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمینه علم‌آموزی از دیگران را که فرمودند: «أُطَلِّبُ الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»، از منظر تبادل فرهنگی تجزیه و تحلیل کنید.

پ) سلطه فرهنگی

سلطه فرهنگی عبارت است از: «هجوم و سرایت یک‌جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر». گروه سلطه‌گر، با استفاده از توانمندی‌ها و برتری‌های خود و با تکیه بر ظرفیت رسانه‌ها و فناوری‌های پیشرفته و استفاده از قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی خویش، درصدد است باورها و ارزش‌های خود را در بین فرهنگ دیگران رواج دهد و آنان را به پذیرش فرهنگ خود، متقاعد یا وادار سازد و در نهایت، هویت فرهنگی گروه مقابل خود را تضعیف، تحریف و نابود کند. سلطه‌گران فرهنگی، برای گسترش نفوذ فرهنگ خویش، از «هجوم فرهنگی» استفاده می‌کنند. هجوم فرهنگی

عبارت است از: «تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک گروه یا یک جهان فرهنگی برای تحمیل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خویش بر سایر گروه‌ها و جهان‌های فرهنگی».

مهاجم فرهنگی، درصدد سلطه فرهنگی است. سلطه فرهنگی از انواع دیگر سلطه‌ها، یعنی سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی، پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است؛ زیرا هویت یک ملت را نشانه می‌گیرد. او با زیباآرایی و جذاب‌سازی فرهنگ خویش، سعی بر جلب نظر و اندیشه نیروهای رقیب می‌نماید تا آنان، با اختیار و انتخاب خود و یا با اجبار و اکراه، فرهنگ محسوس و غیر محسوس سلطه‌گر را بپذیرند؛ برای مثال کشورهای اروپایی و آمریکایی، در ارتباطات خود با دیگران، کمتر تلاش کرده‌اند تا با برنامه‌ریزی و به صورت هدفمند، به ترویج ویژگی‌های مثبت فرهنگ خود مانند روحیه «وقت‌شناسی»، «وجدان کاری» یا «کنجکاوی علمی» در بین اقوام دیگر بپردازند، متقابلاً، درصدد هستند با ابزارها و رسانه‌های خود، به ترویج «لابالی‌گری فرهنگی» بپردازند. نمونه این سلطه‌گری را در مواجهه با کشور خودمان شاهد هستیم که از تولید دانش بومی در زمینه فناوری‌های هسته‌ای و زیست فناوری، و حتی انتقال دانش و فناوری دیگران به ایران جلوگیری می‌کنند تا انحصار و سلطه علمی خود را حفظ نمایند. پس از فروپاشی شوروی و شکست نظام کمونیسم در برابر نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، باور به صحت و اعتبار اندیشه مدرنیسم، در بین برخی از نظریه‌پردازان این مکتب و سیاستمداران آن تقویت شد. در نتیجه، آنان از هر فرصت و ابزاری برای گسترش و حاکمیت اندیشه «لیبرال دمکراسی» در جهان استفاده کرده و می‌کنند.



مجموعه اقداماتی که موجب ایجاد و تقویت رابطه سلطه بین «سلطه‌گر» و «سلطه‌پذیر» می‌شود، «امپریالیسم» نامیده می‌شود. امپریالیسم، اشکال مختلفی دارد و به شیوه‌های گوناگون، برای تأمین و حفظ منافع سلطه‌گران، عملیاتی می‌شود؛ مانند امپریالیسم سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی. امروزه، «امپریالیسم فرهنگی» درصدد سلطه انحصاری فرهنگی، علمی، آموزشی و ... بر سایر کشورهاست تا از این ظرفیت برای سلطه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود استفاده کند و با تأمین منافع خویش، «استعمار نو و فرانو» را در سرزمین «سلطه‌پذیر» حاکم سازد. ترویج و گسترش مفاهیم «حقوق بشر»، «حقوق زنان» و نظایر آن، بر اساس بنیان‌های فکری و نظری غرب در جهان، و اجبار سایر کشورها به پذیرش این مفاهیم و تعاریف، نمونه‌هایی از امپریالیسم فرهنگی است.

با توجه به راهبرد اسلام هراسی و ایران هراسی، که توسط امپریالیسم فرهنگی علیه کشور ما به کار گرفته شده است، برای خنثی سازی آن و اثربخش کردن ارتباطات و تعاملات فرهنگی، چه تدابیری باید اندیشیده شود و از کدام ویژگی های فرهنگی ایران و کدام روش ها می توان استفاده کرد؟



نظام سلطه در گذشته، از «قدرت سخت» برای گسترش نفوذ و کسب منافع خود استفاده می کرده است. اما در قرن اخیر از راهبرد «قدرت نرم» بهره می گیرد. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دهی به باورها، گرایش ها و ترجیحات دیگران. قدرت نرم از



نوع اقناع و قدرت سخت از مقوله وادار و اجبار کردن است. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت ها و توانایی های یک جامعه گفته می شود که با ترویج ارزش های خود و القای غیرمستقیم آن، ارزش های جوامع دیگر را در راستای منافع خود تغییر می دهد. «قدرت یک رابطه روانی است بین کسانی که آن را به کار می برند و آنهایی که در معرض آن قرار می گیرند».

بررسی و تحقیق کنید

- ۱- دو نمونه از هجوم فرهنگی نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران در دهه های گذشته را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید. با توجه به سطوح و لایه های فرهنگ، این هجوم بیشتر معطوف به کدام لایه است؟ چرا؟
- ۲- به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با انتخاب یکی از موضوعات زیر، در مورد تهاجم فرهنگی کشورهای سلطه گر علیه کشورهای اسلامی، تحقیق کند. سپس نتایج را در کلاس ارائه کنید. (انتشار کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، جنگ نرم از طریق بازی های رایانه ای، ترویج عروسک باربی، تبلیغات ماهواره در مورد ترویج الگوهای خانواده و تشکیل خانواده های باز به سبک غربی، مک دونالدی شدن رستوران ها و فروشگاه های توزیع غذا، تولیدفیلم های هالیوودی و جذب استعداد های برتر).



◆ دیپلماسی فرهنگی

اگر کشوری بخواهد با سایر کشورها ارتباط مفید و اثربخش داشته باشد چه باید بکند؟ از چه روش‌ها و امکاناتی می‌تواند استفاده کند؟



به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی عبارت‌است از: مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی و سنت‌ها و

اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها.

دیپلماسی فرهنگی، به عنوان ابزار سیاست خارجی، روش مؤثری است که دولت‌ها، با مشارکت مردم خود، آن را برای عرضه فرهنگ خویش به سایر ملت‌ها و کشورها به کار می‌گیرند و در میان انواع دیپلماسی‌های نوین، (دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی اقتصادی و...) از اهمیت و جایگاه ویژه برخوردار است و از آن به عنوان «قدرت نرم» در سیاست خارجی یاد می‌کنند. با توجه به پدیده جهانی شدن و ضرورت ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر، دولت‌ها برای مدیریت تعامل با سایر کشورها، از «دیپلماسی فرهنگی» استفاده می‌کنند.

دولت‌ها در دیپلماسی فرهنگی، به منظور تأمین منافع ملی و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و با بهره‌مندی از ظرفیت بخش غیردولتی، به معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن سرزمین خود به مردم سایر کشورها می‌پردازند. این امر موجب گسترش ارتباطات میان مردم کشورهای مختلف می‌شود و زمینه برقراری روابط مستحکم و دوستانه میان آنها را فراهم می‌آورد.

دیپلماسی فرهنگی، برخلاف دیپلماسی سیاسی، الزاماً متکی و وابسته به دولت‌ها نیست و توسط دولت‌ها انجام نمی‌شود، بلکه بیشتر، ملت‌ها با استفاده از ابزارها و روش‌هایی مانند مؤسسات و تشکل‌های غیردولتی و نهادهای مدنی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی ورزشی، فرهنگی، هنری و... به ارتباطات فرهنگی



باهم می‌پردازند. در تحقق دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها بیشتر نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند و از مزایای آن برای تأمین منافع ملی بهره می‌برند.

نظام سلطه، با طراحی و اجرای «پروژه جهانی سازی»، درصدد است تا فرهنگ و اندیشه خود را بر جهان حاکم کند، بنابراین، اساس دیپلماسی فرهنگی و گسترش آن در عصر جدید، بر نفی جهانی‌سازی و حاکمیت فرهنگ نظام سلطه بر جهان استوار است و با به رسمیت شناختن و احترام به فرهنگ‌های دیگر، زمینه تعاملات و تبادلات فرهنگی را بین کشورها و ملت‌ها فراهم می‌آورد.

بیندیشید

کدام‌یک از محصولات و مؤلفه‌های فرهنگی استان شما، قابلیت انتشار در سایر کشورها را دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت آنها برای حفظ و ارتقای منافع ملی استفاده کرد؟



بیشتر بدانیم



دیپلماسی فرهنگی فطرت خواه در پی حوادث فرانسه و انتشار تصاویر توهین‌آمیز به مقدسات اسلامی در یک نشریه فرانسوی و تشدید جریان ضد اسلامی و اسلام‌هراسی از سوی مقامات و رسانه‌های غربی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیام مهمی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ارسال نمودند. این پیام به زبان انگلیسی و سپس زبان‌های دیگر، منتشر شد. متن آن، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حس حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره اسلام است و به‌طور خاص، درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما

ارائه می‌شود. از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القا شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزورانه دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است.

تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری شرمسار است؛ از دوره استعمار سرافکننده است؛ از ستم بر نژاد پوستان و غیرمسیحیان خجل است. محققین و مورخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً آبراز سرافکنندگی می‌کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند دهه‌ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شما به خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت‌استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن ﷺ آشنا شوید.

من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام ﷺ و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا

تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچ کس به صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هریک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش در آورند.

سیدعلی خامنه‌ای

۱/بهمن/۱۳۹۳



▲ برگزاری نماز جماعت مسلمانان در لندن



کارکرد فرهنگی رسانه‌ها

رسانه‌ها چگونه در تولید و انتقال فرهنگ، ایفای نقش می‌کنند؟

نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی چیست؟ آیا تاکنون درباره واژگان، «جامعه اطلاعاتی»، «شبکه‌های اجتماعی» و «عصر رسانه‌ها» اندیشیده‌اید؟ این مفاهیم چه معنایی دارند و کارکرد فرهنگی و اجتماعی‌شان چیست؟ چه تأثیری بر دگرگونی‌های فرهنگی دارند؟



در دروس گذشته، با دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آنها آشنا شده‌اید. در عصر حاضر، انسان در دنیای رسانه‌ها زندگی می‌کند و دنیا را از دریچه رسانه‌ها ادراک می‌کند. ایجاد و گسترش رسانه‌ها و افزایش روزافزون دسترسی آسان به آنها، زمینه شکل‌گیری «جامعه جهانی» را فراهم آورده است. ابزار «رسانه»، بیش از سایر عوامل، در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی

نقش آفرینی می‌کند و عملکرد سایر عناصر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این دوره، میزان و چگونگی ارتباط انسان‌ها با هم و نیز ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر نسبت به گذشته، کاملاً متفاوت شده است و در بستر «رسانه‌ها» شکل می‌گیرد.

در ابتدا، اختراع ماشین چاپ و گسترش کمی و کیفی انتشار کتاب و روزنامه‌ها و نیز اختراع رادیو و تلویزیون، مناسبات انسانی و فرهنگ حاصل از آن را دگرگون ساخته است. اما با انقلاب صنعتی و پیدایش رسانه‌های جدید، به‌ویژه با گسترش سریع شبکه‌های بین‌المللی اطلاعاتی - ارتباطی و فراهم آمدن قابلیت ذخیره، انتقال و انتشار حجم وسیعی از داده‌ها، وارد «عصر اطلاعات» شده‌ایم؛ به گونه‌ای که در آن امکان هر نوع ارتباط، به‌ویژه گسترش فرهنگ‌ها و پیام‌های فرهنگی، بسیار بیش از پیش فراهم آمده است.

بررسی و گفتگو کنید



♦ به نظر شما، دانش آموزان دوره دبیرستان، چه میزان از وقت خود را در فضای مجازی (تلفن همراه، اینترنت و...) سپری می‌کنند؟ این حضور، چه تأثیری بر فعالیت‌های آموزشی و

پژوهشی کاربران دارد؟ چه تأثیری بر مناسبات فرد با خانواده و دوستانش برجای می‌گذارد؟
♦ با رویکرد فرهنگی، حضور در فضای مجازی را تجزیه و تحلیل کرده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن را مشخص کنید.

رسانه‌ها، در فرایند ارتباطات و جابه‌جایی اطلاعات در درون و برون جامعه سهم اساسی دارند، علاوه بر این می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، کارساز باشند و به عنوان یک دانشگاه گسترده، در راستای تعالی و یا تخریب فرهنگ جامعه به فعالیت بپردازند.
برخی از کارکردهای رسانه‌ها عبارت‌اند از:

۱- امکان دسترسی گسترده به اطلاعات را برای عموم مردم به وجود آورده‌اند.

۲- جمع‌آوری، انباشت و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند.

۳- امکان بازتولید، پالایش و گسترش اطلاعات برای همگان را فراهم آورده و آنها را در تولید اطلاعات سهیم کرده‌اند.

۴- دانش عمومی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و علمی افزایش داده و آگاهی و توانایی مردم را برای دستیابی به زندگی مناسب و دانش بنیان فزونی بخشیده‌اند.

این تحولات فرهنگی، زمینه پیدایش «جامعه اطلاعاتی» را تسهیل کرده است؛ جامعه‌ای که اساس آن بر تولید، توزیع و گردش اطلاعات بنا نهاده شده است و «اطلاعات» به مثابه یک سرمایه ارزشمند محسوب می‌شود.

بررسی و تحقیق کنید



درباره واکنش رسانه‌های خارجی در خصوص «فتح خرمشهر» در دوران دفاع مقدس، گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. به نظر شما گزارش‌ها و روایت‌های رسانه‌های خارجی از این واقعه، چه تأثیری بر اذهان عمومی داشته است؟

رسانه‌ها و خلق جهان‌های فرهنگی

رسانه‌ها رکن اساسی جامعه پیشرفته و عامل جهانی شدن فرهنگ هستند. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات، در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی و خلق و گسترش جهان اجتماعی و جهان فرهنگی تأثیر فراوان دارند و قادر به ایجاد ارزش‌ها، آگاهی‌ها و هنجارهای جدید می‌باشند. به همین دلیل، فعالیت رسانه‌ای، خود یک کنش فرهنگی محسوب می‌شود که زمینه تعامل و تبادل افکار و اندیشه‌ها را فراهم می‌آورد.

رسانه‌ها، می‌توانند شرایط و زیرساخت‌های فکری- فرهنگی مناسب برای پیشرفت و توسعه، از قبیل ایجاد روحیه و مهارت کار گروهی، فرهنگ کارآفرینی، قانون‌محوری، فرهنگ نظم و حسابگری و ... را در جوامع رواج دهند و هر روز با اخذ و خلق ایده و تفکری جدید و ترویج آن، به روند توسعه جامعه کمک کنند.

آشنایی با کارکرد رسانه‌ها و فهم پیام‌های آشکار و پنهان آنها، نیازمند برخورداری از «سواد رسانه‌ای» است. این سواد، به معنای توانایی و مهارت استفاده درست از رسانه‌هاست و آنان که از این سواد، بی‌بهره هستند، مقهور جاذبه‌های ظاهری و فریبنده رسانه‌ها شده و تسلیم پیام‌ها و فرهنگ حاکم بر آنها می‌شوند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، افزایش سوادآموزی، مشارکت سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی، با میزان دسترسی به رسانه‌ها، ارتباط مستقیم دارد و هرچه مبادله اطلاعات صحیح و معتبر، سریع‌تر انجام شود، دستیابی به توسعه و پیشرفت، امکان‌پذیرتر است.

زندگی در «اتاق شیشه‌ای» در عصر رسانه‌ها به چه معناست؟ «حریم خصوصی» در فضای مجازی، چه معنا و مفهومی دارد؟ و چگونه می‌توان از حریم خصوصی خود مراقبت کرد و وارد حریم خصوصی دیگران نشد؟



سواد رسانه‌ای^۱ و تحولات فرهنگی

«سواد رسانه‌ای» به چه معناست؟ ضرورت کسب سواد رسانه‌ای، در دنیای امروز چیست؟ این دانش، شامل چه مهارت‌ها و کارکردهایی است؟ آیا می‌توان با استفاده از این مهارت، به تحلیل فرهنگی و حل مسائل فرهنگی پرداخت؟ در پایه دهم در کتاب سواد رسانه‌ای، با مفهوم «سواد رسانه‌ای» و کارکردهای آن آشنا شدید. همچنان که آموختید، سواد رسانه‌ای، مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. برای حضور فعال و مؤثر در محیط پیچیده

رسانه‌ها، باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و پردازش اطلاعات باشیم. افراد، با کسب سواد رسانه‌ای، قادر به رمزگشایی از اهداف رسانه‌ها و کشف پیام‌های پیچیده موجود در محتوای آنها می‌باشند و می‌توانند در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای مشارکت فعال داشته باشند، این امر سبب می‌شود از حالت مصرف‌کننده منفعل خارج شده، و از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه بهره‌مند شوند.

سواد رسانه‌ای می‌تواند به ما کمک کند تا:

- ۱- مهارت استفاده از فناوری‌های ارتباطی را به دست آوریم.
 - ۲- آنچه را که رسانه‌ها می‌خواهند ما را به باور آن برسانند، تشخیص دهیم.
 - ۳- اطلاعات غلط و دروغ‌های رسانه‌ای را تشخیص دهیم.
 - ۴- مسائل فرهنگی را تشخیص داده و مهارت لازم برای حل آنها را به دست آوریم.
 - ۵- پیام‌های رسانه‌ای را بر اساس تجربیات خود، باورها و ارزش‌های خویش ارزیابی و تجزیه و تحلیل کنیم.
 - ۶- پیام‌های رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و پخش کنیم و در تحولات فرهنگی مشارکت نماییم.
- سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های مهم زندگی در عصر حاضر است. کسب این سواد، ما را در مقابله با امپریالیسم رسانه‌ای و برنامه‌های تهاجم فرهنگی نظام سلطه یاری می‌کند.

آیا می‌توانید نمونه‌هایی از بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و کارتون‌هایی که توسط جهان غرب و صهیونیست‌ها علیه جوامع اسلامی ساخته می‌شود را نام ببرید و ابعاد ضداسلامی و ضدایرانی و روش به کار رفته در آنها را بررسی کنید؟ در صورت تمایل، با چند نفر از کاربران این بازی‌ها مصاحبه کنید و تأثیرات بازی‌ها را بر روحیه و اخلاق آنها بررسی کنید.

امپریالیسم رسانه‌ای

سرمایه‌داری غربی با استفاده از ابزار تأثیرگذار رسانه و عنصر کلیدی آن، یعنی تبلیغات، سعی در یکسان‌سازی فرهنگی در همه ابعاد مادی و معنوی فرهنگ سایر ملل دارد که به این پدیده، «امپریالیسم رسانه‌ای» می‌گویند. رسانه‌ها در رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، بی‌طرف نیستند و برای گسترش و اشاعه فرهنگ و پیام خاص، ایجاد شده و فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، غرب، برای نیل به اهداف و مقاصد خویش، تسلط بر شبکه ارتباطی را به‌عنوان برترین و مؤثرترین گزینه راهبردی خود برگزیده است.

مارشال مک لوهان: «جنگ‌هایی که در آینده رخ می‌دهد به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصویری رخ خواهد داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند».





نظام سلطه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، و با برخورداری از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک و شگردهای تبلیغاتی، باورها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و فرهنگ «دیگران» را تغییر داده و با ارزش‌ها و فرهنگ خویش همراه و هماهنگ کند و با «مهندسی ذهن» دیگران، ایشان را به راهی بخواند که خود می‌خواهد. امروزه تراست‌های بزرگ اطلاعاتی و کارتل‌های عظیم رسانه‌ای شکل گرفته

است که با اتکا به قدرت تکنولوژیکی، به ارائه تصویری مخدوش از حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و ادیان رقیب می‌پردازند و به صورت نظام‌مند و هماهنگ، در جهت‌دهی افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و واکنش‌های موردنظر خود، تلاش می‌کنند.

تحقیق کنید

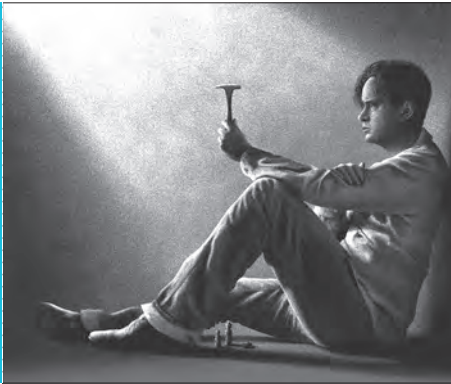
- ◆ درباره «مرداک» غول رسانه‌ای جهان چه می‌دانید؟
- ◆ نقش مخرب وی در تهاجم به فرهنگ‌های مستقل و آزادی‌خواه و گسترش امپریالیسم فرهنگی چیست؟

امپریالیسم رسانه‌ای، با تشکیل امپراتوری فرهنگی - رسانه‌ای، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی سایر ملت‌ها را تغییر داده و بخش‌هایی از فرهنگ خود را جایگزین آنها نموده است. به همین دلیل، «جنگ رسانه‌ای» تنها جنگی است که حتی در زمان صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای خویش، برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خود از آن بهره می‌گیرد. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، کارشناسان جنگ روانی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. راهبرد طراحی شده توسط آمریکا، پیش از حمله نظامی به عراق، نمونه برجسته‌ای از جنگ رسانه‌ای به موازات جنگ نظامی به شمار می‌رود. خبرنگارانی که در اردوگاه نیروهای آمریکایی و انگلیسی حضور داشتند و اخبار جنگ را از دریچه دوربین خود، و البته از منظر منافع مهاجمان، به جهان مخابره می‌کردند، سربازان «جنگ رسانه‌ای» جدید بودند. مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرند، ممکن است خود، از وجود جنگ سنگینی که در فضای فرهنگی آنان جریان دارد بی‌اطلاع باشند، اما کارگزاران این جنگ، فرهنگ و باورها، گرایش‌ها و رفتارهای ایشان را نشانه گرفته‌اند. هدف جنگ رسانه‌ای، اگر چه در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌هاست، اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها و فرهنگ عمومی را هدف بمباران خود قرار می‌دهد و به تعبیر و تحولات فرهنگی در جوامع می‌اندیشد تا بتواند حکومت‌های دست‌نشانده خود را به قدرت برساند.



دو فیلم زیر را مشاهده و بررسی کنید و با مراجعه به نقدهایی که درباره آنها در شبکه‌های مجازی و مجلات تخصصی وجود دارد، میزگرد فرهنگی تشکیل داده و درباره آنها گفتگو کنید:

- ◆ فیلم «تولد یک پروانه» به کارگردانی مجتبی راعی. ساخت سال ۱۳۷۶. ایران
- ◆ فیلم «رهایی از شاوشنگ» به کارگردانی فرانک دارابونت. ساخت ۱۹۹۴ میلادی



یکی از جلوه‌های امپریالیسم رسانه‌ای در جهان، امپریالیسم خبری است که از شکل‌های سلطه دنیای غرب بر جهان است. امپریالیسم خبری به معنی سلطه‌جویی انحصاری در نظام خبررسانی جهان است. امپریالیسم به‌طور تخصصی بر روی حجم، نوع، محتوا، کیفیت، کمیت، زمان و مکان یک خبر کار می‌کند. برای نخستین مرتبه واژه «امپریالیسم خبری» را رئیس‌جمهور فنلاند در گردهمایی کارشناسان ارتباطی یونسکو در دانشگاه تامپر فنلاند در سال ۱۹۷۱ به زبان آورد.

امپریالیسم خبری کارکردهایی دارد؛ از جمله اینکه وابستگی فرهنگی ایجاد می‌کند و خبرها را متناسب با منافع خود نشر می‌دهد و با به کارگیری شگردهای هنری و روان‌شناسانه گاه سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه می‌دهد تا نظام سلطه به حیات خود ادامه دهد. پیامد بمباران خبری امپریالیسم خبری، از خودبیگانگی فرهنگی، تمدن وارداتی و بی‌هویتی است که با آخرین دستاوردهای تکنولوژی عرضه می‌شود.

امپریالیسم خبری همچنین به ارزش‌های خبری مطابق میل دست‌اندرکاران می‌پردازد و عمدتاً با طرح مسائل نمایشی و در حقیقت کم‌اهمیت، اذهان مخاطبان بین‌المللی خود را از پرداختن به حقایق موجود در جوامع تحت سلطه باز می‌دارد.

پنج غول مطبوعاتی و خبری جهان یعنی خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویترز،





▲ ساختمان مرکزی خبر ساتی بی بی سی در لندن

فرانسوپرس و ایتارتاس همگی زابیده رقابت‌های دوران استعماری دو قرن گذشته‌اند. امپریالیسم خبری، در عصر استعماری قرن گذشته، به کمک قدرت‌های بزرگ در تلاش بوده است تا در مناطق تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش، شبکه‌های خبری خود را بسط و گسترش دهند. هم‌اکنون در جهان بیش از ۱۲۰ خبرگزاری بزرگ و بین‌المللی، فعالیت دارند و هیچ یک از آنها به عنوان رقیبی برای این ۵ خبرگزاری و غول خبری نیستند.

بررسی و گفتگو کنید

- ◆ دو مورد از شایعاتی را که در سال‌های اخیر توسط امپریالیسم خبری در جامعه منتشر شده است نام ببرید و چگونگی القای آن را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ◆ چگونه می‌توان جامعه را در برابر تهاجم امپریالیسم رسانه‌ای مصون ساخت؟

امام موسی صدر :

– مطبوعات از مهم‌ترین میدان‌های جهادی و از برجسته‌ترین عوامل تکوین انسان مدنی است. این جایگاه والا وظایفی در قبال جامعه به عهده صاحب مطبوعات می‌گذارد. همان‌طور که وظایفی در قبال اینان در عهده جامعه می‌نهد. وظیفه اینان در قبال جامعه جهت‌دهی و روشن‌گری و خیرخواهی مخلصانه و بی‌شایبه است. حق آنان به جامعه نیز همان بر خور داری از آزادی و پشتیبانی و تأمین امکاناتی است که او را از فساد و انحراف مصون بدارد.

– مطبوعات محرابی است برای پرستش خدا و خدمت به انسان‌ها و اگر از عهده وظایف خود بر نیاید، دامگه شیطان و مایه تخریب انسانیت خواهد بود، این عرصه از مهم‌ترین و حساس‌ترین میدان‌های جهاد است؛ زیرا افکار عمومی را شکل می‌دهد؛ فرهنگ‌آفرین است؛ خوراک روح را فراهم می‌آورد؛ مراحل جدید تکامل معنوی را پی می‌نهد؛ عواطف مردم را پیراسته می‌کند و آنان را به نیکی و راستی رهنمون می‌کند.

مطبوعات با نظارت بر جامعه و ارکان آن و با جهت‌دهی به دولت و حاکمیت و نهادها و با مشارکت در ساماندهی اقتصاد و سیاست و کوشش در تصحیح امور جامعه، در حقیقت، به جامعه بشری و محیط انسانی نظم می‌بخشد و به این ترتیب، خدمتگزار جامعه و فرد و انسانیت و، نتیجتاً، از ارکان کرامت‌بخشیدن به انسان و حفظ این کرامت است.